

Original Article

Examining the Methods of Resolving the Conflict of Laws In Iran's Subject Law

**Zahra Rahimi^{1,*}, RezaRashidi²**¹ PhD Student in Law, Private Orientation, Islamic Azad University, Research Sciences Unit, Kermanshah, Iran² Master of Laws, Department of Human Rights, Mofid University of Qom, Iran

Use your device to scan and read the article online

**Citation** Zahra Rahimi, RezaRashidi, **Examining the methods of resolving the conflict of laws in Iran's subject law.** *J. Law Political Stud.*, 2023, 3(1), 39-49.<https://doi.org/10.48309/jlps.2023.1.4>**Article info:****Received:** 12 March 2023**Accepted:** 22 May 2023**Available Online:** 25 May 2023**ID:** JLPS-2307-1065**Checked for Plagiarism:** Yes**Keywords:**

Conflict of laws, governing law, personal circumstances, property, documents, contract.

ABSTRACT

The conflict of laws occurs when a private relationship is related to the laws of two or more countries due to the intervention of two or more foreign factors. In legal theories and international conventions, two methods have been adopted to solve the said conflict. The first method, which is customary in principled or dogmatic method, prefers political considerations and interests of the country over legal requirements. The second method, which is termed as legal method or appropriate selection, considers the verdict that is scientifically suitable for any legal issue. Also, private international law and international conventions have incorporated several rules to resolve the conflict of laws. Among them, we can refer to the rule of conflict resolution with main and secondary communication factors, the rule of conflict resolution of laws with main and secondary communication factors, the rule of plural conflict resolution, the rule of alternative conflict resolution, the rule of dissociative conflict resolution and the rule of conditional conflict resolution. It is the laws and regulations that discuss the non-domestic legal relations of nationals of countries and how to apply legal regulations to these nationals in terms of the jurisdiction of laws and courts. One of the most important issues related to private international law is the conflict of laws that occurs when a private law relationship to The reason for the intervention of one or more foreign factors is related to two or more countries. In this research, we examine the general conflict of laws and the issues raised in the conflict of laws in Iran's private international law.

۸ | مقاله پژوهشی

بررسی روش‌های حل تعارض قوانین در حقوق موضوعه ایران

زهرا رحیمی^{۱*}، رضا رشیدی^۲^۱ دانشجوی دکتری حقوق، گرایش خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات کرمانشاه، ایران^۲ کارشناسی ارشد حقوق، گرایش حقوق بشر دانشگاه مفید قم، ایران

ارجاع زهرا رحیمی، رضا رشیدی، بررسی روش‌های حل تعارض قوانین در حقوق موضوعه ایران، نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲: ۴۹-۳۹.

doi <https://doi.org/10.48309/jlps.2023.1.4>

چکیده



اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۱ اسفند ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ آنلاین شدن: ۴ خرداد ۱۴۰۲

کد مقاله: JLPS-2307-1065

کلیدواژگان:

تعارض قوانین، قانون حاکم، احوال شخصی، اموال، استناد، قرارداد.

تعارض قوانین زمانی پیش می‌آید که یک رابطه خصوصی به واسطه دخالت دو یا چند عامل خارجی با قوانین دو یا چند کشور ارتباط پیدا می‌کند. در نظریه‌های حقوقی و کنوانسیون‌های جهانی برای حل تعارض مزبور روشن اتخاذ شده است. روش اول که به روش اصولی یا جزئی مرسوم است، ملاحظات سیاسی و مصالح کشور را بر الزامات حقوقی ترجیح می‌دهد. روش دوم که به روش حقوقی یا انتخاب انسب مصطلح شده است، حکمی را که از نظر علمی مناسب هر موضوع حقوقی باشد مناسب می‌داند. همچنین حقوق بین‌الملل خصوصی و کنوانسیون‌های بین‌المللی برای حل تعارض قوانین، قواعد متعددی را تعبیه نموده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به قاعده حل تعارض با عوامل ارتباطی اصلی و فرعی، قاعده حل تعارض قوانین با عوامل ارتباطی اصلی و فرعی، قاعده حل تعارض تمددی، قاعده حل تعارض آلتنتاتیو، قاعده حل تعارض انقضائی و قاعده حل تعارض شرطی اشاره نمود. حقوق بین‌الملل خصوصی مجموعه قوانین و مقرراتی است که در خصوص روابط حقوقی غیر داخلی اتباع کشورها و چگونگی اعمال مقررات حقوقی بر این اتباع از نظر صلاحیت قوانین و محاکم بحث می‌کند، از مهم‌ترین مباحث مربوط به حقوق بین‌الملل خصوصی تعارض قوانین است که زمانی پیش می‌آید که یک رابطه حقوق خصوصی به دلیل دخالت یک یا چند عامل خارجی به دو یا چند کشور ارتباط پیدا می‌کند. در این پژوهش به بررسی کلیات تعارض قوانین و مسائل مطرح در تعارض قوانین در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران می‌پردازیم.

مقدمه

هر کشوری در سرزمین خود، قوانینش را به تمام ساکنین خواه تبعه خود کشور باشد خواه تبعه بیگانه اعمال نماید. امروزه کشورها ناچارند تا حدی که مضر به مصالح اجتماعی نباشد. قوانین دیگر کشورها را محترم دارند. اگر خلاف این باشد اختلاف ایجاد خواهد شد. نزاکت و سیاست بین‌المللی ایجاب می‌کند از این اختلافات احتراز شود. قواعد کلی تعارض قوانین را در هر کشور مقتن پیش‌بینی نموده است، به طوری که هر کشور سیستم تعارض قوانین مخصوص به خود دارد، البته میان سیستم‌های حقوقی مختلف تشابهاتی وجود دارد. در

تعارض قوانین آن است که در مورد یک رابطه حقوقی معین قوانین دو یا چند کشور در مقابل هم قرار گیرد. تعارض قوانین اختصاص به حقوق خصوصی (مدنی، تجاری) دارد و زمانی مصدق می‌باشد که حقی موجود باشد و بخواهیم از میان قوانین متفاوت، قانون صلاحیت‌دار، را انتخاب و به موقع اجرا گذاریم، درواقع هدف از اعمال شیوه‌های حل تعارض، یافتن قانون صالح برای حل وفصل اختلافات و دعاوی است. روابط بین‌المللی و مراودات اقتصادی و تجاری مانع از آن است که

در دنیای معاصر برای هیچ ملتی میسر نیست که در چهاردیواری سرزمین کشور خود تصور محصور بماند. زیرا در هیچ دوره‌ای از ادوار روابط بین کشورها و اتباع آنها به این اندازه گسترش نیافته است. مبادلات بازارگانی و جابه‌جا شدن افراد از کشوری به کشور دیگر مسائل بین‌المللی بی‌شماری را مطرح می‌سازد که برای حل آنها باید از اصول قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی و تعارض قوانین استفاده شود. زیرا در هر موردی که بین قوانین چند کشور تعارض پیدا می‌شود باید بین قوانین مزبور نوعی تلفیق و هماهنگی ایجاد کرد تا معلوم شود که هر قانونی تا چه حدودی باید به موقع اجرا درآید و نظر به توسعه روابط میان اتباع ملل مختلف تعارض قوانین به حل این مسئله می‌پردازد.

مفاهیم کلیدی پژوهش

حاکمیت: حاکمیت به شکل خلاصه و ساده به معنای اقتدار سیاسی عالیه است. این مفهوم بنیاد نظام بین‌الملل مدرن را فراهم آورده و به نظام دولت - ملت معاصر مشروعت می‌بخشد. در سطح ابتدایی، حاکمیت به معنای کنترل بر مردم و فضای جغرافیایی است. این گونه کنترل نوعاً از درون ساختار حکومت اعمال می‌گردد و تاریخ، نمایانگر رشد مداوم در حاکمیت توسط حکومت‌های ملی و انباست هم‌زمان قدرت متتمرکز است، (الماسی، ۱۳۹۰: ۱۲۸)

نظم عمومی: «نظم عمومی» در زمرة مفاهیم بنیادین، معمول و در عین حال پُر چالش در قلمرو حقوق داخلی و بین‌المللی است. این مفهوم، علاوه بر نقش محدودکننده در قلمرو داخلی، در قلمرو بین‌المللی، اعمال قوانین و قواعد مخالف نظم عمومی کشور می‌بینان را با مانع رویرو می‌سازد. واژه نظم، ممکن است در زمینه‌های بسیاری مطرح گردد؛ لیکن اتصاف به وصف عمومی و پیدایش اصطلاح نظم عمومی در قلمرو حقوق، موجِ قاعده‌ای است که در راستای حمایت و حراست از نهادهای حقوقی و نیز ثبات و تداوم مصالح و منافع همگانی، شکل‌گرفته است، (الماسی، ۱۳۹۰: ۱۲۸)

مواردی متوجه نقاط ضعف سیستم حقوقی ایران می‌شویم و در مواردی متوجه نقاط قوت سیستم حقوقی ایران با توجه به اینکه در زمینه‌ی روش‌های حل تعارض در حقوق ایران تحقیق کافی و کاملی انجام نگرفته است و ازانجایی که روش حل تعارض از موضوعات حقوق بین‌الملل خصوصی است و در حقوق ایران به این موضوع کمتر توجه شده است لذا انجام تحقیقی جامع در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد و نظر به اهمیت رسیدگی به دعاوی اتباع خارجی در دادگاه‌ها و طرح مسائل حقوقی متعدد در این حوزه، مباحث مربوط به روش‌های حل تعارض قوانین مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته است و با توجه به اینکه مباحث مربوط به حل تعارض قوانین ضمن مباحث دیگر مطرح می‌شود ضرورت دارد.

مسائل مربوط به حل تعارض قوانین و از جمله روش‌های حل تعارض قوانین در ایران مستقلأً مورد بررسی قرار گیرد لذا در این اثر سعی شده از حیث نظری روش‌های حل تعارض در قوانین ایران مورد بررسی کامل قرار گیرد تا علاوه بر آگاهی نسبت به قوانین حل تعارض در حقوق ایران زمینه‌ای برای فعالیت‌های تحقیقی وسیع‌تر و بیشتر در این زمینه بوده و اثربار استقل در موضوع تطبیق روش‌های حل تعارض قوانین در حقوق ایران محسوب شود، میدانیم در صورت ایجاد روابط با کشورها اختلافات خصوصی بین اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی کشورها ایجاد می‌شود. در این شرایط نیاز مبرم به تقویت حقوق بین‌الملل خصوصی است تا بین‌وسلیه اختلافات حقوق خصوصی اتباع کشورهای یادشده در عرصه بین‌الملل حل شود. فرصت زندگی و ادامه تحصیل در کشور ایران را مغتنم می‌شمارم که مطالعه‌ای انجام دهم تا بتوان با استفاده از آن در صورتی که اگر مسئله‌ای با اتباع سایر کشورها پیش آمد، بتوان در دادگاه‌ها، از اتباع کشور خود دفاع کرد. و نظر به اهمیت رسیدگی به دعاوی اتباع خارجی در دادگاه‌ها و طرح مسائل حقوقی متعدد در این حوزه، مباحث مربوط به تعارض قوانین مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته است. در اهمیت مسئله‌ی تعارض قوانین کافی است یادآوری شود. که

روش گزینش قانون ماسب : روشنی است که برابر آن بایستی در هر مورد به صورت جداگانه بهترین قانون صالح انتخاب شود و نبایستی با یک قاعده کلی مسائل تعارض قوانین را حل کرد.

روش قاعده حل تعارض با ویژگی ماهوی : روشنی است که در آن واضح قاعده با توجه به قواعد ماهوی کشورهای مرتبط با پرونده تکلیف مسائل حل تعارض را روشن می‌کند.
تعارض قوانین : زمانی ایجاد می‌شود که مسئله تعیین قانون حاکم بر یک رابطه حقوقی که مرتبط با قانون دو یا چند کشور است مطرح می‌شود (الماسی، ۱۳۹۰: ۱۳۰)

۱- تئوری دوجانبه^۱

با توجه به ایرادات و نقایص عمدۀ تئوری یکجانبه خصوصاً به شکل ابتدایی آن، امروزه اصل دوجانبه بودن قواعد حل تعارض مورد پذیرش عمومی قرار گرفته است و بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که سیستم‌های حقوقی مختلف با قبول اصل تساوی نظام‌های حقوقی و عدم برتری قانون مقر دادگاه به قوانین خارجی، درصدندن با وضع قواعد حل تعارض به صورت دوجانبه در مورد هر رابطه حقوقی مربوط به زندگی بین‌المللی اشخاص قانونی را که بیشتر با موضوع مرتبط بوده و ارائه‌کننده بهترین و مناسب‌ترین راه حل است، اعمال نمایند، اعم از اینکه قانون مقر دادگاه باشد یا یک قانون خارجی. مثلاً ماده ۹۶۵ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «ولایت قانونی و نصب قیم بر طبق قوانین دولت متبع مولی‌علیه خواهد بود»، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود قانون حاکم بر موضوع حسب

^۱. بعضی از نویسندها حقوقی یکجانبه گرایی ترکیبی را پیشنهاد می‌نمایند و معتقدند اگر ما برای تمام قواعد حل تعارض خصیصه دوچانه قائل شویم می‌توانیم در قاعده حل تعارضی که اصولاً به شکل دوچانه تنظیم شده عامل ارتباط یکجانبه‌ای را در جهت گسترش قامرو اجرای قانون مقر دادگاه به لحاظ نظمی عمومی بگنجانیم. مثلاً در مورد وضعیت و اهليت خارجیان می‌توان طی قاعده حل تعارض موضوع را نایاب قانون می‌قرار داد (روشن دوچانه و مع ذلك اضافه نمود در تمام موارد وضعیت و اهليت اشخاص مفيم فرانسه تابع قانون فرانسه است (خصوصيي يکچانه اقامتكاه)، اين مطلب در واقع یکچانه گرایي به معنى واقعي نیست زيرا نه تنها دوچانه گرایي را رد نمی‌کند بلکه مكمل آن بوده و بيشتر متماييل به ناسيوناليسم است تا یکچانه گرایي مورد نظر نی بوايه و قادری که عمدتاً احترام به حاكمیت خارجی را مبنای نظریه خود داشته تبیین تأثیرات انتراسيوناليست بودند. به هر حال جنبه روشنی در فرانسه در مواردی اتخاذ شده است مثلاً در تنظیم ماده ۳۱۰ قانون مدنی فرانسه ترکیبی از یکچانه گرایي ناسيوناليست و یک جانبه گرایي انتراسيوناليست ملاحظه می‌شود.

یکی از مفاهیم بنیادینی که در علم حقوق واجد آثار مهم، اما مبهمی است؛ مفهوم نظم عمومی است. این مفهوم هرچند دارای آثار و تبعات گوناگونی در رشتۀ‌های مختلف حقوقی است؛ اما هیچ‌گاه به طور مشخص مورد تعریف دقیق و مشخص قرار نگرفته است. با این وجود برخی از اندیشمندان حقوقی سعی داشته‌اند که نسبت به ارائه تعریف دقیقی از این مفهوم مبادرت نمایند.

نظم عمومی ترجمه Public Order فرانسه، و order در زبان انگلیسی است. اخلال با نظم مفهومی ارتباطی عام دارد و تقریباً تعیین این که چه امری با نظام مخالف است با قاضی است و این تعیین هم به تربیت قاضی و محیط زندگی او و تمایلات مردم سرزمین وی و سوابق تاریخی کشور بستگی دارد. در یک تحلیل حقوقی هرچند این مفهوم برای برخی قواعد بازدارنده همیشه بکار رفته، اما علمای حقوق اروپا برای عدم اجرای قانون خارجی در کشور خود فرضیه نظم عمومی را ابداع کرده‌اند، (بهمنی، ۱۳۸۶: ۹۸).

تقلب نسب به قانون: تقلب نسبت به قانون از مباحث مهم حقوق بین‌الملل خصوصی و از موضوعات قابل توجه در تعارض قوانین محسوب می‌گردد. می‌توان دو مفهوم نسبتاً متفاوت از تقلب نسبت به قانون ارائه داد: اولین مفهوم عبارت است از "فرار از قانون صلاحیت‌دار داخلی یا خارجی، همراه با تغییر ارادی عناصر وابستگی همچون تابعیت و یا اقامتگاه"، (مدنی، ۱۳۷۸: ۱۲۴)

روش یکجانبه: روشنی است که در آن قاعده حل تعارض کشورها در مورد صلاحیت قانونی کشورهای دیگر اظهار نظر نمی‌کند و فقط تکلیف صلاحیت قانون کشور خود را مشخص کرده است.

روش دوچانه: روشنی است که در آن قاعده حل تعارض دو یا چند ارزشی است. به این معنا که ممکن است صلاحیت قانون کشور مقر دادگاه را به رسمیت بشناسد ممکن است صلاحیت قانون کشور دیگری را موردنظر داشته باشد، (بهمنی، ۱۳۸۶: ۹۸).

به طور یکسان ارزیابی شوند.^۱ به عبارت دیگر هدف حمایت از معاملات و زندگی بین‌المللی افراد باشد. البته ممکن است قاعده حل تعارضی به صورت دوچانه تنظیم شود ولی قابلیت بین‌المللی شدن را نداشته باشد مثل ماده و قانون مدنی ۱۹۴۱ ایتالیا در مورد دریانوردی که حاوی مقررات حاکم بر قرارداد کار دریایی است. این ماده در مواردی اجرای قانون ایتالیا و بعضی موارد اجرای قانون خارجی را پیش‌بینی می‌نماید ولی قابل بین‌المللی شدن نیست چون از عوامل ارتباط همگون و مساوی استفاده ننموده است. وقتی موضوع مربوط به قرارداد کار در کشتی‌ها یا هوایپیماهای ایتالیایی باشد، اجرای قانون ایتالیا مقرر شده است (قانون پرچم کشتی با هوایپیما درحالی که در مورد کشتی‌ها و هوایپیماهای خارجی آزادی اراده دو طرف موردنسب واقع شده است. بر عکس ماده ۳ قانون ۱۸ژوئن ۱۹۶۶ فرانسه که قانون پرچم را لازم‌الاجرا می‌داند می‌تواند به طور یکسان منجر به اجرای قانون فرانسه و یا قانون خارجی شود حسب اینکه کشتی حامل پرچم چه کشوری باشد. به هر حال اکثر قواعد حل تعارض در کشورهای مختلف به صورت دوچانه تنظیم شده‌اند و در پاره‌ای از موارد نیز اجتناب از افراط در انترناسیونالیزم (مردانی، ۱۳۹۰: ۱۶).

و حفاظت از منافع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی ... یک کشور موجب شده قاعده حل تعارض به‌طور استثنای، به صورت یک‌جانبه تنظیم شود^۲ یعنی تنها تعین‌کننده موارد اجرای قانون مقدار دادگاه باشد.^۳

^۱. قطعنامه انتستیتو حقوق بین‌الملل نیز رعایت اصل مساوات را تنها از طریق وضع قواعد دوچانه قابل تحقق داشته است.

^۲. برای مثال رک. ماده ۵۱۷ قانون تجارت هلند که به موجب آن مقررات مواد ۴۸۰-۴۸۷ در مورد تکالیف فرستنده مال التیجاره در حمل و نقل دریایی بر تمام موارد حمل و نقلهای دریایی که مبدأ یا مقصدشان بندری هلندی است، حاکم است.

^۳. و نگلذا نوع ذیل را برای قواعد حل تعارض چند جانبه پرشمرده است. الف. قواعد حل تعارض چندچانه کامل، یعنی قوانینی که در مقام رفع تعارض، به قوانین هریک از دول مستقل و حاکم ارجاع می‌دهن. ب. قواعد حل تعارض چندچانه محلی کامل، در مقام رفع تعارض بین قوانین حاکم برمناطق مختلف یک مملکت مشخص می‌نماید. قوانین کدام ناحیه قابل اجراست. ج. قواعد حل تعارض چندچانه ناقص، (اکثر این نوع فوادع به تمام قواعد خارجی به استثنای قانون مقدار دادگاه، ارجاع می‌دهند. مثل ماده ۲۵ قانون مقدمه قانون مدنی آلمان که مقرر می‌دارد: «ارثیه غیرآلمانی‌ها تابع قانون ملی متوفی خواهد بوده و بعضی از این قواعد تنها به قانون برخی کشورهای معین ارجاع می‌دهند و ارجاع به قوانین سایر دول را به

بن ماده با توجه به عامل ارتباط تعیین شده یعنی تابعیت مولی‌علیه مشخص خواهد شد و با احراز تابعیت خارجی مولی‌علیه قانون خارجی مربوطه در مورد وی اجرا خواهد گردید. به عقیده طرفداران تئوری دوچانه نقش حقوق بین‌الملل خصوصی زمانی کامل می‌شود که به نحو مناسبی سیستم قانونی قابل اجرا را تعیین نموده باشد. این روش با اصول عدالت و مساوات منطبق است. همچنین دامنه اجرای قانون ملی نسبت به قانون خارجی باید مشخص باشد. اگر دامنه اجرای قانون خارجی مشخص نشود تعیین دامنه اجرای قانون ملی نیز به درستی مقدور نیست. از طرفی رجوع به قواعد حل تعارض کشورهای خارجی مرتبط با پرونده برای احراز صلاحیتشان همان‌گونه که ملاحظه شد، موجب بروز خلاً با تعدد می‌گردد. به علاوه یک‌جانبه‌گرایی مسئله تأمین قضایی را به خطر می‌اندازد زیرا وقتی قاعده حل تعارض یک‌جانبه صلاحیت قانون ملی را نفی می‌نماید بدون اینکه تکلیف قضیه را روشن کند، حسب تئوری یک‌جانبه می‌باید به دنبال قانون مناسب یا قانونی که خود را صالح می‌داند بود. درنتیجه طرفهای رابطه‌ای حقوقی نمی‌توانند قانون قابل اجرا به‌وسیله قضایی را پیش‌بینی نمایند و اجرای قانونی خارجی به‌وسیله قضایی همیشه می‌تواند برای آن‌ها حالت غیرمنتظره داشته باشد، (بهمنی، ۱۳۸۶: ۹۶).

قاعده دیگری که در حمایت از دوچانه بودن قواعد حل تعارض مورد استناد واقع شده اصل لزوم قابلیت بین‌المللی نمودن قواعد حل تعارض است که در راستای هدف حقوق بین‌الملل خصوصی یعنی تنظیم روابط بین‌المللی اشخاص است و به موجب آن در تنظیم قواعد حل تعارض باید مسئله متحده‌شکل شدن مقررات تجارت بین‌الملل مدنظر واقع شود و این قواعد باید طوری طراحی شوند که بتوانند احیاناً در کنوانسیونی بین‌المللی مورد تصویب دو یا چند دولت قرار گیرند. برای این امر لازم است قاعده حل تعارض به صورت دوچانه باشد و به علاوه عوامل ارتباطی را برگزیند که قابلیت بین‌المللی شدن را داشته باشند یعنی خصایص و معیارها

نظر گرفته شده است مثل ماده ۱۴ قانون مدنی یونان و ماده ۱۸ قانون مدنی ایتالیا که در مورد روابط شخصی زوجین، موضوع را تابع قانون آخرین اقامتگاه مشترک زوجین و در نبود آن تابع قانون متبع شوهر در زمان ازدواج قرار می‌دهد.

۲. عوامل ارتباط فرعی کلی: ممکن است قاعده حل تعارضی معرف عوامل ارتباط فرعی باشد که در صورت قابل استفاده نبودن عوامل ارتباط مندرج در سایر قواعد حل تعارض قابل اعمال باشند. مثل ماده ۲۰ قانون مدنی یونان که مقرر می‌دارد: «اگر ذی نفع بدون تابعیت باشد قانون اقامتگاهش و در صورت نداشتن اقامتگاه، قانون رزیدانس وی قابل اجرا است. در واقع این مقرره مکمل دیگر قواعد حل تعارض بوده و تعیین کننده عوامل ارتباط فرعی برای تمام دیگر قواعد حل تعارضی است که تابعیت را به عنوان عامل ارتباط اصلی معرفی نموده‌اند. باید توجه داشت که در بحث عوامل ارتباط فرعی، صرفاً جانشینی عوامل ارتباط مطرح است^۴ نه رقابت عوامل ارتباط.

- قواعد حل تعارض تمددی

گاهی قاعده حل تعارض دو یا چند عامل ارتباط را تعیین می‌نماید که همگی آن‌ها باید باهم به وسیله قاضی رسیدگی کننده برای حل و فصل موضوع مطروحه مورد استفاده قرار گیرند. هیچ‌یک از عوامل ارتباط بر دیگری برتری ندارد و اجرای یکی از آن‌ها نیز کفایت نمی‌کند بلکه همه باهم باید اجرا شوند. مثلًاً بند ۱ ماده ۱۰ قانون مورخ ۵ دسامبر ۱۹۲۳ فنلاند در مورد حل اختلافات خانوادگی بین‌المللی مقرر می‌دارد: «طلاق زوجین تبعه یک دولت خارجی یا زوجینی که یکی از آن‌ها خارجی است در فنلاند پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه علت طلاق هم در قانون ملی یکی از زوجین و هم در قانون فنلاند پذیرفته شده باشد. این ماده هم‌زمان سه عامل ارتباط را معرفی می‌نماید تابعیت شوهر، تابعیت زوجه، و قانون فنلاند به عنوان قانون مقر دادگاه.

^۴. برای مثالهای دیگر در مورد اتخاذ عامل ارتباط فرعی رک. ماده ۲ کتوانسیون لامه مورخ ۱۵ ژوئن ۱۹۵۵ در مورد بیع: ماده به کتوانسیون لامه مورخ ۱ می ۱۹۷۱ در مورد قانون حاکم بر تصادفات اتومبیل: ماده ۴ کتوانسیون لامه در مورد قانون حاکم بر آثار ازدواج.

- ۲- قاعده حل تعارض با عوامل

- ارتباط اصلی و فرعی

چون به واسطه عامل ارتباط است که قاعده حل تعارض قانون صلاحیت‌دار را تعیین می‌نماید و در مواردی عامل ارتباط معرفی شده ممکن است قابل استفاده نباشد، لذا بعضاً در تنظیم یک قاعده حل تعارض در کنار عامل ارتباط اصلی یک با چند عامل ارتباط فرعی (شکری، ۱۳۹۲: ۱۱). را نیز ذکر می‌نمایند تا قاضی حداکثر امکانات را برای تعیین قانون حاکم بر قضیه داشته باشد. مثلًاً در صورتی که قاعده حل تعارض مقرر دادگاه احوال شخصی بیگانگان را تابع کشور متبع‌شان بداند و در پرونده‌ای ذی نفع بدون تابعیت یا آپاترید^۱ باشد بعضی قوانین در کنار تابعیت به عنوان عامل ارتباط اصلی، اقامتگاه را به عنوان یک عامل ارتباط فرعی مورد توجه قرار داده‌اند^۲ تا قاضی از بلا تکلیفی خارجی شود. مع ذلک گاهی حتی تعیین یک عامل ارتباط فرعی نیز گره‌گشای نیست مثلًاً در مورد آثار ازدواج که اصولاً حسب قانون فرانسه تابع قانونی ملی زوجین است (بند ۳ ماده ۳ قانون مدنی فرانسه) در صورت اختلاف تابعیت زوجین، موضوع تابع قانون اقامتگاه مشترک‌شان قرار داده با این حال احتمال دارد که در موردی زوجین نه تابعیت و نه اقامتگاه مشترک داشته باشد.

۱. عوامل ارتباط فرعی خاص: در قاعده حل تعارض این چنین، یک عامل ارتباط فرعی خاص (با توجه به موضوع خاص رابطه حقوقی) به عنوان جانشین عامل ارتباط اصلی در

قاعده چند جانبه ناقص دیگری واگذار می‌نمایند. (مثل قواعد حل تعارض مندرج در کتوانسیونهای مدنی لامه با کتوانسیونهای مونته ویدنو) گاهی نیز یک قاعده حل تعارض یکجا به مشخص کننده صلاحیت قانون مقر دادگاه و یک قاعده حل تعارض چند جانبه ناقص (مبوط به دیگر قوانین خارجی در یک قاعده چند جانبه کامل تلفیق شود ولی این امر تنها در صورتی میسر است که قواعد وضع شده معیار یکسانی را برای تمام قوانین ملی در نظر گرفته باشند).

^۱. مثلًاً ممکن است دولتی به عنوان مجازات تابعیت شخصی را سلب نماید و شخص مذکور تواند تابعیت کشور دیگری را تحمل نماید.

^۲. گاهی ممکن است یک نفر دارای چند تابعیت باشد و با دو یا چند اقامتگاه داشته باشد.

^۳. کتوانسیون نیویورک مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۵۴ در ماده ۱۲ خود مقرر می‌دارد: «احوال شخصی تمام بی تابعیتان تابع کشور محل اقامتشان است و در نبود اقامتگاه تابع قانون کشور رزیدانی آنها خواهد بود در مورد منون قانونی رک، مثلًاً ماده ۳ قانون ترکیه مورخ ۱۲ نوامبر ۱۹۶۵ و ماده ۴ قانون ۲۶ می ۱۹۸۲ می‌لهمتان.

مبنای اینکه کدام قاعده برای وضعیت موردنظر مناسب‌تر است آن را انتخاب می‌نماییم، (گودرزی، ۱۳۹۳: ۱۱).

این روش خاص الشمول و استنتاجی است:

خاص الشمول است: یعنی از آنجاکه قانون‌گذار سیستم قانونی‌ای را که با وصف اجتماعی یک کشور هماهنگ است اتخاذ خواهد کرد لذا احکام را برای اعمال نسبت به اموری که در قلمرو همان کشور اتفاق می‌افتد مقرر داشته است استنتاجی است: (یعنی راه حل تعارض قوانین از نظرات کلی که درنتیجه قبول یک فرضیه قبلی (اصل مصلحت سرزمینی) به وجود آمده استنتاج بنماییم.

- روش حقوقی (آنسب)

در این روش ملاحظات سیاسی اهمیت ندارد. آنان معتقدند آنچه مهم است این است که قاعده حل تعارض قاعده‌ای باشد که از لحاظ علمی و تئوریک(نظری) مناسب باشد ، پس هیچ‌گونه فرضیه قبلی و عقیده جزئی وجود ندارد و برای تعیین قاعده حل تعارض از لحاظ علمی قانون مناسب به دست می‌آید. این روش عام الشمول است: (برای تمام ممالک و در تمام موارد تعارض قوانین مناسب است و قلمرو شمولیت آن قاعده محدود به مملکتی خاص نیست) چراکه قواعد حل تعارض مبنای عقلانی دارند. ابتدا باید دید آیا مسئله موردنظر واجد جنبه حقوقی یا سیاسی بیشتری است تا بر حسب مورد روش حقوقی یا اصولی را به کار بگیریم. فرضًا در مسائلی مانند تابعیت احوال شخصه و صلاحیت دادگاهها. از آنجاکه جنبه سیاسی این مسائل غالب است روش اصولی بهتر است . حال آنکه در قراردادها چون جنبه حقوقی قوی‌ای وجود دارد روش حقوقی بهتر است رویه دولت‌ها بر همین است. یکی از موارد اختلاف بین سیستم‌های حل تعارض اختلاف از نظر محتوای دسته‌های ارتباطی است، قضی در این موارد ناچار است که بر مبنای یک قانون تعیین کند که موضوع موربد بحث در کدام دسته ارتباط جای می‌گیرد. اینجاست که مسئله توصیف شروع می‌شود. توصیف: که حقوقدانان انگلیسی آن را classification می‌نامند.

به همین ترتیب بند ۱۴ ماده ۱ همین قانون مقرر می‌دارد: «حقوق و تکالیف زوجین در روابط شخصی آن‌ها تابع قانون متبع آن‌ها است. اگر تابعیت واحد نداشته باشد هیچ‌یک از ایشان نباید در مقابل دیگری از حقوقی بیش از آنچه در قانون ملی هریک مقرر شده متمعن شود». اینجا هم تابعیت دو طرف باید مجتمع، مورد توجه واقع شود. اجرای هم‌زمان دو یا چند قانون در یک موضوع معین موجود مشکلات خاصی است و به همین لحاظ مورد اعتراض بعضی از نویسندهای واقع شده است^۱ و برخی قوانین از جمله قانون یونان به کلی از اتخاذ این روش اجتناب نموده‌اند.

- ۳- روش حل تعارض

منتظر از روش حل تعارض این است که برای تعیین قاعده حل تعارض چه راهی را باید پیمود یا به عبارت ساده‌تر از چه طریقی قاعده حل تعارض را به دست می‌آوریم به‌طورکلی در حقوق بین‌الملل خصوصی دو نظریه یا روش حل تعارض از طرف دانشمندان این رشتہ ارائه شده است.

- روش اصولی

۱- پیروان این روش ابتدا یک فرضیه قبلی را به عنوان یک اصل مسلم یا عقیده جزئی در نظر می‌گیرند و از طریق آن به یک سری نظرات کلی می‌رسند و درنهایت احکام هر مورد خاص را از نظریات کلی استنتاج می‌نمایند . طرفداران این روش معتقدند حقوق بین‌الملل خصوصی ماهیتی سیاسی (نه حقوقی) دارد به همین علت جنبه سیاسی این رشتہ بر جنبه حقوقی آن سایه افکنده است . بنابراین باید ملاحظات سیاسی را مقدم بر ملاحظات حقوقی در نظر گرفت . ایشان وصف ذاتاً سیاسی بودن حقوق بین‌الملل خصوصی را تنها اصل مسلمی می‌دانند که برای حل تعارض قوانین باید بر آن تکیه کرد. مثلاً در مسائل احوال شخصیه باید بر مبنای ملاحظات سیاسی تعیین کنیم که کشور موردنظر مهاجرپذیر است یا مهاجر فرست و بر

^۱. مثلاً در خصوص بند ۳ ماده ۳ قانون مدنی بلژیک که در مورد طلاق زوجین با تابعیت متفاوت مقرر می‌دارد: طلاق ایشان مجاز نیست مگر در صورت پذیرش هر دو قانون ملی مربوطه که اتخاذ عامل ارتباط محدود کننده نر پیشنهاد شده است.

وارد مرحله حل تعارض قوانین شود ابتدا باید بر حل تعارض توصیف‌ها پردازد، (عمرانی ۱۳۹۱: ۲۳).

۴- موانع اعمال قاعده‌های عام تعارض قوانین

این موانع را می‌توان در دو قالب فقدان عامل ربط پیش‌بینی شده و فقدان حکم یا عدم وضوح حکم در قانون کشور مرتبط با دعوى تقسیم‌بندی نمود.

- فقدان عامل ربط پیش‌بینی شده در قاعده حل تعارض قوانین

بستر تحقق این مانع، معمولاً در قضایای احوال شخصیه افرادی به وقوع می‌پیوندد که احکام آن‌ها، تابع قانون کشور متبع‌شان بوده و افراد مذکور به دلایلی فاقد تابعیت می‌باشند. همچنان که در زمرة پناهندگان به کشور دیگر قرارگرفته آند یا به دلیل تفاوت در نگرش نظام‌های حقوقی نسبت به تابعیت، محسوب می‌گردد لیکن از سوی نظام متبع خود، دارای تابعیت ایرانی وی، انگلیسی است و مطابق قانون دولت متبع وی، این مسئله، شناسایی می‌گردد. در صورتی که نظام حقوقی ایران با دعوای ارثیه فردی مواجه گردد که بی تابعیت گردیده است که این به دلایلی چون ولادت، پناهندگی، مجازات لغو تابعیت و یا ترک تابعیت امکان تحقق دارد، دادگاه ایران بایستی چگونه اقدام به تعیین قاعده حل تعارض نماید؟ برخی از کشورها با توجه به تفکیک عمدۀ نظام‌های حقوقی به نظام‌های پذیرنده عامل تابعیت و عامل اقامتگاه در صورت مواجهه با دعوی مربوط به ارث، اقدام به اتخاذ عامل اقامتگاه برای پیوند احوال شخصیه و چنین کشورهایی، عامل اقامتگاه به عنوان جانشین عامل تابعیت در احوال شخصیه تعیین گردیده است لیکن نظام حقوقی ایران در مسئله ارث فرد بدون تابعیت با توجه به عدم پذیرش عامل اقامتگاه به عنوان عامل ثانوی توسط حقوق ایران با مشکل مواجه می‌گردد. برخی از اساتید قائل به این هستند که با توجه به وجود سابقه چنین نظری در فرانسه بایستی قاضی

(درواقع تعیین نوع امر حقوقی است که یک قاعده حقوق بین‌الملل خصوصی باید نسبت به آن اجرا گردد). به عبارت ساده‌تر وقتی قاضی با یک مسئله حقوق بین‌الملل خصوصی روبرو می‌شود این‌یک مسئله جزئی و خاص است و نمی‌توان در قانون برای آن قانون صلاحیت‌دار را پیدا نمود. در این موارد قاضی ناچار است این مسئله جزئی و خاص را درون یک قالب بزرگ‌تر و کلی‌تر ببیند و از آن طریق قانون صلاحیت‌دار تعیین نماید. قالب‌های بزرگ‌تر را تحت عنوان دسته‌های ارتباط معرفی نمودیم. تشخیص این امر که مسئله مورد اختلاف در کدام‌یک از دسته‌های ارتباط شناخته‌شده قرار می‌گیرد توصیف نام دارد. مثلاً اینکه ازدواج را جزء احوال شخصیه می‌دانیم یک توصیف است. طبیعی است که توصیف‌ها مقدم بر مسئله اعمال قاعده حل تعارض است زیرا دادگاه باید قبل از اینکه بگوید احوال شخصیه تابع چه قانونی خواهد بود، باید تعیین کند که چه اموری داخل در احوال شخصیه هستند یعنی ابتدا موضوعاتی را که به آن‌ها احوال شخصیه است معرفی کنیم و بعدها باید بگوییم که این موضوعات از آنجاکه احوال شخصیه هستند تابع قانون ملی یا اقامتگاه هستند، (سلجوچی، ۱۳۸۹: ۱۹۷).

لازم است که بدانیم که اگر توصیف روابط حقوقی در نظام‌های حقوقی جهان به یک‌شکل بود و همه کشورها فرضاً ارثیه را داخل در احوال شخصیه می‌دانستند، تعیین قانون صلاحیت‌دار به آن آسانی صورت می‌گرفت. اما می‌بینیم که توصیف روابط حقوقی در هر کشور با کشور دیگر متفاوت است، به همین جهت است که در عمل با پدیده‌ای روبرو هستیم که به آن تعارض توصیف‌ها می‌گوییم. به عنوان مثال در حقوق انگلستان اهلیت تملک اموال غیرمنقول جزء دسته اموال است، حال آنکه در حقوق فرانسه (و نیز در ایران) جزء دسته احوال شخصیه است و یا مسئله ارث: در فرانسه ارثیه غیرمنقول را جزء دسته اموال و تابع محل وقوع مال می‌دانند درحالی‌که در ایران (ماده ۹۶۷ ق.م) ارثیه را جزء احوال شخصیه و تابع قانون ملی می‌دانند. پس قاضی پیش از آنکه

نگردد، قانون سوئیس اجرا می‌گردد. در حقوق انگلستان نیز همچنان که ذکر گردید، در چنین مواردی قاضی انگلیسی، این گونه فرض می‌کند که قانون مذکور با قانون محل دادگاه یکسان است و قانون محل دادگاه را اجرا می‌نماید. قاضی آلمانی در حل دعاوی این‌چنینی موظف است به جای قانون صالح بیگانه، قانونی را که دارای نزدیکی به آن است، بیابد و در صورت عدم دستیابی، اقدام به اجرای قانون آلمان نماید، (گودرزی، ۱۳۹۳: ۹).

نتیجه‌گیری

دعوى حقوق بین‌الملل خصوصی، به دعوای اطلاق می‌شود که حداقل یکی از عناصر دعوای به سیستم حقوقی کشور دیگری مربوط شود. در یک دعوای حقوق بین‌الملل خصوصی این قاعده پذیرفته شده است که وقتی قاضی رسیدگی کننده به پرونده به قانون حاکم بر دعوای رسید، آن را اعمال نموده و بر اساس آن، حکم صادر کند. علیرغم قاعده مذکور، در اکثر سیستم‌های حقوقی، از جمله سیستم حقوق ایران، مواردی وجود دارد که قاضی نمی‌تواند قانون حاکم بر دعوای را اعمال کند. این موارد که در سیستم حقوقی ایران، تحت عنوان موانع اجرای قانون صلاحیت‌دار خارجی مطرح است، شامل: الف- جانشینی خود به خودی قانون مقرب - نظم عمومی ج- تقلب نسبت به قانون - است. موارد جانشینی قانون مقر، شامل مشخص نبودن قانون خارجی، تراضی طرفین بر عدم اجرای قانون حاکم و عدم ارائه مفاد قانون خارجی صلاحیت‌دار توسط طرفین دعوای است. نظم عمومی به عنوان یکی دیگر از موانع اجرای قانون خارجی، عامل بازدارنده‌ای است که مانع اجرای قانون خارجی در کشور می‌شود. لیکن علیرغم آنکه نظم عمومی در حقوق داخلی، اصل تلقی می‌شود. ولی در حقوق بین‌الملل خصوصی، استثنای حساب می‌آید. به سخن دیگر، نظم عمومی در مورد حقوق کسب شده که بر اساس قانون صلاحیت‌دار به وجود آمده، اثربار محدود و خفیف دارد. تقلب نسبت به قانون یکی دیگر از موانع اجرای قانون صلاحیت‌دار خارجی است. در اینجا، شخص با تغییر

دادگاه قانون مقر دادگاه را در باب دعوای مذکور اعمال نماید. اشکالی که به این نظر وارد است، آن است که عامل ارتباطی محل دادگاه، اساساً وزن و اعتبار دو عامل مذکور (یعنی تابعیت و اقامتگاه) را ندارد. اشکال دیگر اینکه ممکن است فرد به طور موقت در حوزه حاکمیتی دولت متبع دادگاه قرار گرفته بوده است. اختلاف در تعیین حکم با توجه به اینکه فرد در کدام کشور واقع گردیده است نیز باعث ایجاد تفاوت‌های فراوانی در وضعیت ارث وی می‌گردد. در هر حال، با توجه به رویکرد حقوق ایران چاره‌ای جز پذیرش عامل ارتباطی مقر دادگاه و اعمال قانون ایران در باب دعوای ارث متوفی فاقد تابعیت نیست و مطابق قانون ایران دعوای وی حل و فصل می‌گردد، (بهمنی، ۱۳۸۶: ۹۸).

- فقدان حکم یا عدم وضوح حکم در قانون کشور

مرتبط با دعوا

گاهی در دعوای ارث یک تبعه خارجی که در ایران فوت نموده است، دادگاه با توجه به ماده ۷ ق.م.، قانون دولت متبع را در قوانین اصلیه ارث حاکم می‌داند لیکن پس از رجوع به حقوق کشور مذکور، ممکن است در خصوص موارد مدنظر دادگاه ایرانی، حکمی یافت نگردد که این عدم دسترسی به حکم، نه ناشی از کوتاهی طرفین دعوای در استناد و اثبات قانون خارجی؛ بلکه ناشی از نارسایی ماهوی قانون کشور متبع متوفی باشد. یا ممکن است که حکمی بیان نگردیده باشد یا آنکه حکم واضحی در این مورد وجود نداشته باشد که دادگاه ایران در مواردی همچون وجود موانع ارث یا تحقق ارث و تعیین وراث ذینفع، به راه حل روشنی دست نمی‌یابد. در این حالت قاضی موظف است تا تلاش در جهت یافتن حکم دعوای را با توجه به وظایف وراث ذینفع انجام می‌دهد، در غیر این صورت، بایستی اقدام به تعیین حکم دعوای بر اساس قانون مقر دادگاه نماید. همچنان که در حقوق سایر کشورها نیز چنین رویه‌ای حاکم است. در سوئیس به موجب بند ۲ ماده ۱۶ قانون فدرال مصوب ۱۹۸۸ م. در حقوق بین‌الملل خصوصی چنانچه محتوای قانون خارجی مدلل

قراردادهای بین‌المللی قانون مذبور صلاحیت دار باشد. مسئله نظم عمومی در ماده ۹۷۵ قانون مدنی ایران به صراحت بیان شده است.

منابع و مأخذ

۱. الماسی، نجات علی. (۱۳۹۰). *تعارض قوانین*، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ هفتم، تهران.
۲. بهمنی، محمدعلی. (۱۳۸۶). درس داوری‌های تجاری بین‌المللی، مقطع دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۳. عمرانی، ابراهیم. (۱۳۹۱). «حق در حقوق ایران: قوانین اخلاقی یا قانون مصوب»، پایگاه تحلیلی خبری ایرنا، سخن هفته شماره ۹۱.
۴. موسی قزوینی، غلامرضا. (۱۳۸۹). «وضعیت احالة یا تعارض منفی در حقوق ایران»، مجله حقوقی، شماره ۲۱
۵. خمامی زاده، فرهاد. (۱۳۷۶). «تنوع قواعد حل تعارض، حقوق، حقوقی بین‌المللی»، شماره ۲۱.
۶. گودرزی، مهدی. (۱۳۹۳). «بررسی وضعیت اجرای احکام داوری خارجی و بین‌المللی»، همایش ملی ایران و چالش‌های حقوقی بین‌المللی، مراغه.
۷. نصیری، مرتضی. (۱۳۸۳). *حقوق تجارت بین‌الملل در نظام حقوقی ایران*، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
۸. مردانی، محمد حسن. (۱۳۹۰). «شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در ایران»، ماهنامه کانون وکلای دادگستری، شماره ۲۳.
۹. شکری، فریده. (۱۳۹۲). «شناسایی و اجرای احکام خارجی در دعاوی خانوادگی»، فصلنامه تعالی حقوق، دوره جدید، شماره ۲.
۱۰. سلجوqi، محمود. (۱۳۸۶). *حقوق بین‌الملل خصوصی*، جلد دوم - تعارض قوانین و تعارض صلاحیت دادگاه‌ها، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان.
۱۱. مدنی، سید جلال الدین. (۱۳۷۸). *حقوق بین‌الملل خصوصی* اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات پایدار.

عامل ارتباط، باعث می‌شود که صلاحیت قانون دیگری مطرح شود. در زمینه آثار استناد به قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون، علیرغم وجود مخالفت نگارنده با اعمال قاعده، این اعتقاد وجود دارد که گرچه در حقوق داخلی، تقلب نسبت به قانون، غالباً رابطه ایجادشده را باطل می‌کند. اما در حقوق بین‌الملل خصوصی، حداکثر کاری که قاضی داخلی می‌تواند انجام دهد. عدم استناد به آن است. موانع اجرای احکام خارجی، موضوع دیگری بود که به آن پرداخته شده است. احکام خارجی شامل، احکام صادره از دادگاه‌های خارجی و احکام داوری‌های خارجی است. هر دو دسته احکام، قبل از اجرا باید شناسایی شوند و شیوه‌های شناسایی هر دو دسته احکام نیز، متفاوت است و از سیستم‌های خاصی تشکیل شده است. شناسایی حکم خارجی، به معنای قابل اجرا بودن آن نیست. بلکه باید واجد شرایط مقرر در قوانین داخلی ایران باشند. و هر آینه، فقدان شرایط مقرر قانونی، مانع برای اجرای احکام خارجی بشمار می‌رود. در مواردی که یک قانون خارجی به موجب قواعد ایرانی حل تعارض صلاحیت دار بوده و اجرای آن به طور کلی تجویز شده، و اصحاب دعوا نیز به آن استناد می‌کنند، قاضی ایران باید آن را ملاک قضاوت خود قرار دهد، لیکن پیش از آن باید معلوم شود آیا مقررات آن قانون در ایران قابل اجراست یا نه. قانون خارجی در صورتی قابل اجراست که برخلاف نظم عمومی نباشد و چنانچه مخالف نظم عمومی باشد به میزانی که مخالفت دارد به اجرا در نخواهد آمد. برای مثال اگر قانون کشور خارجی نکاح بین محارم را مجاز بداند، چنین نکاحی بین اتباع آن کشور در ایران مجاز نخواهد بود اگرچه اصولاً قانون کشور متبع‌شان صلاحیت دار است، همان‌گونه که مثلاً انجام تعدد زوجات برای ایرانیان در کشور فرانسه به واسطه مغایرت بانظم عمومی آن کشور ممنوع شناخته می‌شود، هرچند طبق قواعد حل تعارض فرانسه احوال شخصیه بیگانگان تابع قانون ملی آن‌ها است. پس نظم عمومی از اجرای قانون خارجی جلوگیری می‌کند اگرچه مطابق قانون دولت متبوع دادگاه و یا به موجب

Copyright © 2023 by SPC ([Sami Publishing Company](#)) + is an open access article distributed under the Creative Commons Attribution License(CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.